

مقدمه

به نظر می‌رسد اهداف طرح « طرح قانون حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» برای حل مشکلات زیر است:

- ✓ نابسامانی تقنینی فضای مجازی علی‌رغم مطالبه صریح رهبری معظم انقلاب
- ✓ ناهماهنگی بین متولیان امور حاکمیتی فضای مجازی و کاهش کارایی ساختارها و فقدان هم‌افزایی بین متولیان به‌ویژه در حوزه خدمات و محتوا
- ✓ عدم صیانت از حریم و حیثیت شهروندان و فقدان حمایت لازم از حقوق و آزادی‌های مشروع فعالان فضای مجازی
- ✓ نبود حمایت‌های اجرایی از محتوا و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی و لزوم التزام بخشی، ساماندهی و شفاف‌سازی این فضا
- ✓ فقدان پشتوانه قانونی مصوبات شورای عالی فضای مجازی به‌منظور مواجهه قضائی با هرگونه قصور یا تقصیر در ایفای مسئولیت‌های مدیران دستگاه‌های اجرایی، ارائه‌دهندگان خدمات و کاربران

باوجودی که در خصوص این مشکلات اتفاق نظر وجود دارد و تمامی کارشناسان و ذینفعان نسبت به این مشکلات دغدغه مندی دارند و حل آن‌ها که یکی از ضرورت مهم کشور می‌دانند، رویکرد حل مشکل در طرح پیشنهادی به نحوی است که خود معضلی جدید در اعتمادسازی به‌نظام حکمرانی فضای مجازی کشور به دنبال دارد و در مواردی می‌تواند معضلات اجتماعی، مدیریتی و حقوقی جدیدی ایجاد کند.

ازجمله مصادیق این رویکرد ناکارآمد به حل مشکلات مورد اتفاق نظر، می‌توان به مواردی نظیر عدم توجه به بند ۱۴ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری و اصل ۵۷ قانون اساسی در تدوین طرح و جابجایی وظایف در قوه مجریه، حذف یا بی‌اثر کردن نقش وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات از فضای مجازی و مسلوب‌الاختیار شدن وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در جایی که وزیر در پیشگاه قانون اساسی (اصل ۸۹ قانون اساسی) پاسخگوی ملت و قوه مقننه است؛ اشاره داشت. همچنین عدم پرداختن دقیق به «ترتیب آثار قانونی دادن مصوبات شورای عالی فضای مجازی»، ایجاد نهاد موازی

با شورای عالی و زمینه‌سازی فرصت ساختاری در طرح مذکور برای بی‌اثر کردن نقش شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری و راهبردهای کلان فضای مجازی از دیگر نکات قابل‌تأمل این طرح است.

از دید کلان این طرح شاهد پراکندگی احکام قانونی و عدم پشتیبانی مفهومی و منطقی مواد از یکدیگر به دلیل نگاه مصداقی، موردی و مسأله‌محور است. عدم تعیین تکلیف قانونی درباره تسهیم و تقسیم مسؤولیت‌های قانونی میان خدمات پایه کاربردی، سایر خدمات و کاربران فضای مجازی تعیین تکلیف قانونی روشن و مشخص نشده و منجر به ایجاد دولت موازی به واسطه اعطای اختیارات تنظیم‌گری به نهادی خارج از دولت شده است. برخلاف قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی حتی به این نهاد جدیدالتأسیس اختیار ایجاد نهاد تنظیم‌گر بخشی جدید بدون طی مراحل قانونی داده شده است؛ اما در مقابل هیچ راه‌حلی برای مسائل مربوط به انحصار و ایجاد فضای رقابتی سالم بین ارائه‌دهندگان خدمات و محتوای فضای مجازی دیده نشده است.

فقدان رویکرد حمایتی در سه بخش؛ تنظیم‌گران موجود، ارائه‌دهندگان خدمات و کاربران این فضا در این طرح نمایان است. اصل سه قانون اساسی و سایر اصول قانون اساسی به کرات حقوقی را برای مردم که در اینجا کاربران و کسب‌وکارهای فعال در فضای مجازی هستند روشن ساخته است، در حالیکه پرداختن ناقص به برخی از حقوق نظیر حریم خصوصی و عدم تبیین دقیق آن چشم‌انداز روشنی از استیفای حقوق مردم را متبادر نمی‌سازد بلکه همه را به نهادهایی فراقانونی واگذار کرده است و حق مجلس را نیز برای ورود و مداخله به این مباحث از نمایندگان سلب نموده است.

سؤالی که تدوین‌کنندگان طرح به صورت مداوم باید در تنظیم طرح‌هایی که اختیارات دولت را محدود می‌سازد از خود بپرسند این است که با ایجاد این نهادهای فرا قوه‌ای اختیارات پرسشگری، سؤال و استیضاح مجلس چگونه جاری خواهد شد. آیا بعد از تصویب چنین قوانینی مجلس می‌تواند از وزرا یا حتی رئیس‌جمهور و دولت در اجرای اصول قانون اساسی مطالبه‌گری و یا احیاناً اصلاح خط‌مشی‌ها را نماید. به نظر می‌رسد حذف دولت از اختیارات اجرایی جدا از معضلات ساختاری و موازی کاری‌هایی که تنها اثر آن می‌تواند تضييع بیت‌المال باشد منجر به حذف قوه مقننه از نظارت بر دستگاه‌های اجرایی باشد.

عدم پیش‌بینی شفافیت برای این نهاد جدید تأسیس که مصوبات آن موجد حق و تکلیف عمومی است در مقابل رویکرد شفاف قانون اساسی برای نهاد مجلس قانون‌گذاری که حتی مشروح مذاکرات پخش زنده و منتشر می‌شود از دیگر رویکردهای مغایر قانون اساسی است و جالب اینکه طراحان می‌خواهند از ظرفیت اصل ۸۵ قانون اساسی حتی برای جلوگیری از مشارکت کلیه نمایندگان مجلس در تدوین این قانون که در حکم یک قانون اساسی در فضای مجازی است استفاده نا‌ثواب ببرند.

برخلاف حکم مقام معظم رهبری در خصوص تعیین شورای عالی فضای مجازی به‌عنوان نقطه کانونی مواجهه‌ی هوشمندانه و مقتدرانه با تحولات و استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها و مقابله با آسیب‌ها و تهدیدات این حوزه توسط با‌تعریف مرز جدید و تعیین مرزبانی فضای مجازی و انشاء احکامی در این خصوص که دارای مغایرت با اصل ۱۷۶ وظایف و اختیارات شورای عالی امنیت ملی است نکته کلیدی ضرورت رعایت اصل ۷۸ قانون اساسی در تعریف مرز و قلمرو کشور و حساسیت موضوع به‌قدری است که در قانون اساسی برای آن شرط تصویب قانون در این حیطة را نصاب ۸۰٪ رأی نمایندگان مجلس را تعیین نموده است. در حالیکه در این طرح این موضوع به ستاد کل واگذار شده است.

نباید فراموش کرد این طرح ضمن ایجاد بار مالی برای دولت (مغایرت اصل ۷۵ قانون اساسی) و همچنین انتزاع برخی وظایف قوه مجریه و دستگاه‌های اجرایی ذیل آن از این قوه (مغایرت اصل ۶۰ قانون اساسی) تنها خروجی آن تحدید فضای مجازی است و ارائه آن در این زمان که در ابتدای دولت سیزدهم است و دولت فرصت تدوین قانون برنامه هفتم توسعه را در پیش دارد نشان از اتخاذ رویکردی که دولت را مقابل مردم و کسب‌وکارها قرار دهد و حتماً در اجرا کشور را با چالش‌های جدی‌تری از اهداف مورد اتفاق طرح قرار خواهد داد.

بررسی محتوایی طرح:

در این بخش از گزارش به مواد طرح توجه شده و با عنایت به سند طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات و مدل مفهومی تصویب‌شده برای فضای مجازی کشور این بررسی انجام‌یافته است.

۱- ماده یک اصلاحات و تعاریف: در این مدل مفهومی خدمات به دو بخش تفکیک‌شده است ۱ خدمات شبکه ملی اطلاعات ۲ خدمات کاربردی و نکته مهم این‌که خدمات کاربردی و

همچنین محتوا از محدوده شبکه ملی اطلاعات خارج است. مهم‌ترین مصادیق خدمات کاربردی در مصوبه شورا دولت الکترونیکی، تجارت الکترونیکی، سلامت الکترونیک، آموزش الکترونیکی نام برد

۱-۱- تعاریف و مفاهیم بکار رفته در این طرح با توجه به مصوبه شورای عالی فضای مجازی درباره مختصات شبکه ملی اطلاعات جستجو کرد. در بند «۴-۴-۲» جلسه سی‌وپنج مورخ ۱۳۹۵/۹/۲۰ شورا، ارائه شده است که تصویب طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات (مصوبه جلسه شصت و ششم شورای عالی که به استحضار مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) رسیده و طی نامه شماره ۱۰۴۴۴۱/۹۹ مورخ ۱۶/۰۷/۱۳۹۹ ابلاغ شده است) نیازمند بازتعریف و اصلاح است از جمله تعریف خدمات پایه کاربردی و تعاریف ذیل آن کلاً تغییر نموده است.

۱-۲- فعالیت در چارچوب قوانین و مقررات ایران، وصف یا شرط یا قید مطلوبی برای داخلی سازی نیست؛ زیرا همین شرط برای فعالان و خدمات خارجی نیز صدق می‌کند و آن‌ها نیز باید قوانین و مقررات ایران را رعایت نمایند. لذا وجه تمیز خاصی ندارد و بهتر آن است که حذف شود؛ زیرا بار منفی آن برای خدمات داخلی بیشتر از آثار مثبت آن است و عملاً خدمات خارجی را که باید به‌طور جدی‌تر پایبند به قوانین و مقررات ایران باشند، در حاشیه امن قرار می‌دهد

۱-۳- ایراد مهمی که می‌توان به این شیوه داخلی‌انگاری طرح گرفت، آن است که از معیارهای واقعی و عینی بهره نبرده است. اگر یک شخص تماماً ایرانی صرفاً خدماتی را برای بهره‌برداری اتباع خارجی راه‌اندازی نماید و هیچ وابستگی به زیرساخت و کاربردهای شبکه ملی اطلاعات نداشته باشد، همچنان داخلی خواهد بود.

۱-۴- تعریف گذرگاه مرزی و مرزبانی فضای مجازی ابتدا ضرورت دارد تا مفهوم مرزبانی فضای مجازی شفاف‌تر شود. قاعده‌تاً مقصود طراحان این نبوده که نسبت به تک‌تک سامانه‌های متصل در کشور به شبکه جهانی اطلاعات، الزامات مرزبانی را پیاده نمایند. بلکه مقصود این بوده که پایانه‌های اصلی اتصال به خارج را مشمول احکام مرزبانی نمایند.

۲- قلمرو قانون در ماده ۲ با چالش‌های زیر مواجه است:

۲-۱- در اینجا شبکه ملی اطلاعات مبنای ترسیم قلمرو حاکمیتی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی قرار گرفته است. این تطابق و تناظر هنگامی مفید است که هیچ گزینه واقع در قلمرو حاکمیتی سرزمینی ایران بیرون از شبکه ملی اطلاعات نماند. علاوه بر مثال‌هایی مانند وسایل نقلیه هوایی - فضایی، خشکی و دریایی و همچنین نهادها و ایستگاه‌ها و دستگاه‌های وابسته و در تملک حاکمیت ملی این نگاشت با مصوبه جلسه ۶۶ شورا مغایر است

۲-۲- عبارت «منافع ایران» کلی و مبهم است و مرجع تشخیص آن نیز مشخص نیست. آیا در تراز مفاهیم به‌کاررفته برای اسناد طبقه‌بندی‌شده در قوانین مربوط است یا از معانی قوانین کیفری پیروی می‌کند؟ یا اینکه ممکن است بر پایه اهداف و ارزش‌های برشمرده در مصوبات شورای عالی فضای مجازی درباره منافع مورد انتظار شبکه ملی اطلاعات، منافع ملی در چارچوب آن‌ها تعبیر و تفسیر شود؟

۲-۳- اطلاق اتباع ایرانی یا کاربر خدمات فناوری اطلاعات خارج از شبکه ملی اطلاعات به‌عنوان مشمول این قانون در عمل یعنی هر یک از اتباع ایرانی و کارکنان دولت که در خارج از کشور حضور داشته باشند از مقررات این قانون تخلف نموده و حسب مورد احتمالاً مرتکب جرم شده‌اند

۳- ماده ۳ ترکیب اعضا و وظایف کمیسیون:

۳-۱- از آنجاکه کمیسیون موردنظر قانون‌گذار، به‌موجب مصوبه شورای عالی فضای مجازی تشکیل شده، چنانچه شورای عالی مصوبه مزبور را لغو نماید، بعید است این ماده از قانون دیگر وجاهت قانونی خود را حفظ نماید.

۳-۲- در صورت بروز اختلاف بین مصوبات شورا و کمیسیون، نهاد میانجی و حل و فصل کننده کدام مرجع خواهد بود؟ در چنین وضعیتی حتی مجلس شورا نیز نمی‌تواند ورود نماید.

۳-۳- در حال حاضر شورای عالی از ۱۷ عضو حقوقی و ۱۰ عضو حقیقی تشکیل شده است که ۱۵ نفر از آن‌ها در کمیسیون عضو هستند. در عمل نقش ۱۲ عضو دیگر شورا

(به‌ویژه سران سه قوه) بی‌اثر خواهد شد زیرا ۱۵ عضو شورا در کمیسیون می‌توانند هر مصوبه‌ای که در شورای عالی نتوانسته‌اند به تصویب برسانند در کمیسیون مصوب و اجرایی نموده و عملاً تعارض‌های حاکمیتی را بین شورای عالی و کمیسیون تشدید نمایند

۳-۴- مرجع رسیدگی به مصوبات غیرقانونی کمیسیون کدام نهاد خواهد بود؟ طبق قانون اساسی و مصوب مجلس، مصوبات تنظیم‌گران قابلیت ابطال نزد دیوان عدالت را دارند. لیکن در اینجا کمیسیون می‌تواند ادعا نماید که نهاد زیر نظر شورای عالی است و عملاً مصوبات و تصمیمات آن مصون از نقض و ابطال خواهند بود.

۳-۵- رئیس مرکز ملی فضای مجازی دبیر دو نهاد سلسله‌مراتبی یا تابع و متبوع همدیگر است که در نظام حقوق اداری چنین امری مسبوق به سابقه نیست. دبیرخانه مرجع بالادستی عملاً نظارت بر امور مرجع یا مراجع پایین‌دستی را به عهده دارد و در اینجا وحدت ناظر و نظارت شونده رخ می‌دهد که خلاف اصول عقلی است.

۳-۶- تعیین ترکیب اعضا و وظایف کمیسیون توسط نهادهای به‌جز شورا مغایر ماده ۹ اساسنامه مرکز ملی فضای مجازی مصوب شورای عالی فضای مجازی است.

۴- در خصوص ماده ۴ وظایف کمیسیون از آنجاکه حتی در این طرح کمیسیون به‌منظور اجرای مصوبات شورای عالی تشکیل شده است مداخلات متعدد با سایر نهادهای تنظیم‌گر شبکه ملی اطلاعات و حتی سایر قلمروها دارد مشخصاً با اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مشهود است. نمونه:

۴-۱- صدور مجوز از اختیارات مصرح وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است

۴-۲- بند ۲ وظایف هیچ محدوده مشخصی برای ضوابط ندارد

۴-۳- ضوابط حاکم بر قیمت‌گذاری و تعرفه‌گذاری از اختیارات قوه مجریه است

۴-۴- تقسیم‌کار نهادی زیست‌بوم هویت معتبر و چگونگی احراز هویت در فضای مجازی در

مصوبات شورای عالی ابلاغ شده است و این بند مغایر با مصوبات ابلاغی است.

۴-۵- حفظ حریم خصوصی نیازمند یک قانون مستقل است

- ۴-۶- خدمات عمومی و دولت الکترونیکی دستگاه‌های اجرایی جز خدمات شبکه ملی اطلاعات نیست
- ۴-۷- همکاری‌های بین‌المللی دو یا چندجانبه نیز بدون هماهنگی با وزارت امور خارجه نقض دیگری است
- ۵- ماده ۵ که در واقع ادامه وظایف کمیسیون است ولیکن:
- ۵-۱- در خصوص بند «الف»، کمیسیون از چنین صلاحیتی برخوردار نیست و موظف است حکم مقرر در قانون اصلاح اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، مبنی بر تشکیل تنظیم‌گران بخشی را رعایت نماید.
- ۵-۲- چالش مهم تداخل‌های احتمالی جلسات شورای عالی فضای مجازی با کمیسیون است. جدای از آنکه اعضاء می‌توانند با تشکیل جلسات یکی، مانع تشکیل جلسات دیگری شوند
- ۵-۳- بندهای مربوط به نحوه تشکیل و اداره جلسات با شورای عالی است و این نحوه نگارش بی‌توجهی به اصول قانون‌نویسی است از آنجاکه شرح وظایف و چگونگی جلسات کمیسیون به تصویب شورای عالی رسیده و قاعدتاً مجلس نمی‌تواند رویه دیگری را حکم فرما سازد.
- ۵-۴- این‌گونه وظایف حجیم اجرایی برای کمیسیون نیازمند سازوکار اجرایی مناسب است که به‌صرف در مرکز ملی بودن خود یک تعارض نظارت و اجرا را تشدید می‌نمایند و ایراد اصل ۷۵ قانون اساسی را نیز دارد
- ۵-۵- قید زمان ۲۰ روز برای شورای عالی فضای مجازی محدود کردن اختیارات شورای عالی است.
- ۵-۶- بند «ز» در این ماده متضمن تائید مصوبات کمیسیون توسط فقهای شورای نگهبان است
- ۶- ماده ۶ و تغییر وظایف کمیسیون تنظیم مقررات:
- ۶-۱- بند ۱ - انتقال اختیارات هیئت دولت به کمیسیون مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی است
- ۶-۲- بند ۱ - بدین ترتیب هم هر دو کمیسیون اختیار مقرره گذاری دارند؟

۶-۳- بند ۲- با این تغییر عملاً اختیارات و نظرات دولت در کمیسیون حذف می‌شود و کمیسیون هر تصمیمی که بخواهد اتخاذ خواهد نمود لذا حذف کمیسیون و انتقال آن به کمیسیون جدید با اصل شفافیت منطبق‌تر است.

۶-۴- بند ۳- مغایر با مصوبه شورای عالی وظایف مجازی مبنی بر حفظ این شورا در قالب شورای اجرایی فناوری اطلاعات و حذف وظایف سیاست‌گذاری آن است

۶-۵- بند ۴- اساسنامه سازمان فناوری مصوبه هیئت‌وزیران است و این نوع انشا بدعت در قانون‌گذاری است

۷- ماده ۷ مرزبانی فضای مجازی و دفاع سایبری

۷-۱- امور مرزبانی در دنیای خاکی نیز هم‌اینک با محوریت یا زیر نظر مستقیم ستاد کل نیروهای مسلح نیست. لذا ضروری است در این زمینه شفاف‌سازی شود.

۷-۲- «جلوگیری از بهره‌برداری غیرمجاز از داده‌های مجازی»، جدای از نام‌نوس بودن این عبارت، تقریباً هرگونه تخلف و جرم مجازی را در برمی‌گیرد و آیا قرار است این امر که طبق اصل (۱۵۶) قانون اساسی در صلاحیت ذاتی قوه قضائیه است، به ستاد کل نیروهای مسلح واگذار گردد؟

۷-۳- «محوریت» نیروهای مسلح در اینجا مفهوم نیست. آیا زیر نظر این ستاد دستگاه‌های ذی‌ربط فعالیت می‌کنند؟

۷-۴- حکم این ماده، از دامنه شمول این قانون خروج موضوعی دارد و اگر اصرار بر بقای آنست، می‌بایست با رعایت مصوبات کمیسیون بوده و مرزبانی و دفاع سایبری هم باید وفق مصوبات و تصمیمات کمیسیون به انجام رسد.

۸- ماده ۸ و اصل ۲۵ قانون اساسی در خصوص بازرسی نامه‌ها و فاش کردن مکالمات تلفنی یا شنود:

۸-۱- لازم به یادآوری است که در خصوص اصل ۲۵ یک دفتر در وزارت اطلاعات به همین نام وجود دارد و اجرای این اصل بر عهده قوه مجری با حکم قضایی است.

۸-۲- برابر با بند «ف» ماده ۳ قانون وظایف وزارت ارتباطات حفظ و حراست از این موضوعات بر عهده این وزارت است نه قوه قضائیه

۸-۳- اساساً موضوعاتی مثل نامه و پست مکالمات تلفنی و تلگراف و تلکس در حیطه این طرح پیشنهادی نیست.

۹- ماده ۹ مجری‌گری دو سازمان برای کمیسیون:

۹-۱- این نوع نگارش قانون فاقد رعایت اصول قانون‌نویسی است و از آنجاکه اساسنامه این دو سازمان طبق قانون بر عهده دولت است نمی‌توان چنین حکمی نمود.

۹-۲- در صورت تصویب چنین حکمی سایر وظایف این دو سازمان بر عهده چه نهادی گذاشته می‌شود

۹-۳- بدین ترتیب وحدت فرماندهی این دو سازمان دچار ایراد است. (از یک طرف ذیل وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و هم‌زمان مجری کمیسیون)

۱۰- در ماده ۱۰ حکم کلی تبعیت تنظیم‌گران بخشی از مصوبات کمیسیون صادر شده است و عملاً مصوبات شورای عالی بی‌اثر شده و حکمرانی فضای مجازی به این کمیسیون واگذار شده است.

۱۱- ماده ۱۱ شرایط و ضوابط عرضه و فعالیت خدمات پایه کاربردی:

۱۱-۱- ضوابط این فصل و تعریفی که از خدمات اثرگذار ارائه شده، همخوانی و هماهنگی وجود ندارد. طبق تعریف، خدماتی اثرگذار است که توانسته باشد بخش قابل توجهی از بازار را در اختیار گیرد. حال پرسش اینجاست که چنین شخصیتی چرا حالا باید به فکر دریافت مجوز بیافتد؟!

۱۱-۲- دور و تسلسل این حکم را هم نمی‌توان حل کرد؛ زیرا اگر به خدمات موردنظر بگوییم چرا مجوز فعالیت نداری؟ می‌گویند هنوز به مرحله اثرگذاری نرسیده‌ام و اگر به مرحله اثرگذاری رسید، اعطای مجوز فعالیت به وی لوس و لوث به نظر می‌رسد! به علاوه، اگر در این مدت مرتکب تخلفی شد، تکلیف برخورد با آن چیست؟

۱۲- ماده ۱۲ ایراد اصل ۷۵ دارد و اداره صندوق به صورت موسسه دولتی محل اشکال است. از طرفی این صندوق ذیل کمیسیون تعیین شده و در حالیکه خود شخصیت حقوقی مستقل ندارد بلکه در مرکز ملی فضای مجازی است در نتیجه این صندوق ذیل مرکز ملی فضای مجازی باید شکل بگیرد.

۱۳- حکم ماده ۱۳ با قواعد نظام برنامه ریزی کشور و قانون برنامه و بودجه منطبق نیست.

۱۴- ماده ۱۴ در خصوص تعیین سهم محتوای حتی می تواند وضعیت درآمدی خدمات خارجی بر شبکه ملی اطلاعات را نیز روشن نماید و معلوم نیست چرا طرح از تعیین تکلیف راجع به آن ها طفره رفته است؟ در حالی که در صورت اخذ مجوز امکان فعالیت می یابد و قانون گذار می تواند درباره محل و منابع درآمدی آن ها نیز حکم عادلانه ای را معین نماید. ضمن اینکه سهم خود را هم معین و اخذ نماید. نکته دیگر اینکه این موضوع از اختیارات شورای عالی و تداخل با کمیسیون عالی محتوا دارد.

۱۵- ماده ۱۵ اولاً موضوع تعیین سقف برای مالیات از اختیارات کمیسیون نیست دوماً مبنای اظهارنامه اشتباه است زیرا افراد معمولاً تمایل به کم اظهاری دارند.

۱۶- در ماده ۱۶ این حکم ظاهراً هم شامل خدمات پایه کاربردی اثر گذار و هم بی اثر می شود. در حالی که قاعدتاً کمیسیون نباید به خدمات بی اثر توجهی نشان دهد.

۱-۱۶- تعیین دستوری سهم ترافیک در سبد مصرفی کاربران شبکه ملی اطلاعات عملاً آن ها را از رقابت پذیری دور نگاه می دارد. اگر به راستی بازار جذابیت لازم را داشته باشد، سهم ترافیک خدمات مورد نظر بالاتر از حد نصاب هم خواهد بود.

۲-۱۶- فلسفه اصلی حکم این ماده روشن نیست؛ آن هم در فصل حمایت ها! اگر مجوز اثر گذارها از بی اثرها متفاوت است، در صورت از دست دادن معیارها مجوز وی لغو می شود.

۳-۱۶- حکم این ماده می تواند مدیریت پهنای باند کشور را هم دچار اختلال نماید؛ زیرا خدمات پایه کاربردی برای رهایی از ضمانت اجراهای مصوب کمیسیون ناچارند که پهنای باند را بیهوده هم شده اشغال نمایند که در این صورت نمی توان به عدد مصرف واقعی کاربران شبکه ملی اطلاعات دست یافت.

۴-۱۶- آیا کمیسیون برای هر یک از خدمات پایه کاربردی حداقل مشخصی را به تصویب می رساند یا اینکه یک نصاب مشخصی را برای همه تعیین می کند؟ اولی بسیار وقت گیر است و دومی بعید است برای همه کارساز باشد.

۱۶-۵- منظور از خدمات پایه کاربردی متناظر، آن‌هم در کشور چیست؟ به نظر می‌رسد «کشور» قلمروی فراتر از شبکه ملی اطلاعات را دربرگیرد.

۱۶-۶- منظور از سبد مصرفی کاربران چیست؟ ظاهراً مقوله‌ای جدای از سبد مصرفی خانوار ایرانی است. متعلقات و مخلفات آن چیست و متولی آن کدام نهاد است؟ در بخش وظایف کمیسیون باید به این موضوع تصریح شود.

۱۶-۷- در تعیین سقف ترافیک خدمات خارجی ظاهراً خدمات اثرگذار و بی‌اثر مدنظر بوده است. در حالیکه تعیین سقف نیز توجیه ندارد. بلکه باید با سیاست‌های دیگری پهنای باند مورد استفاده خدمات خارجی را مدیریت کرد؛ از قبیل افزایش هزینه‌های کاربری و همچنین افزایش کیفیت خدمات داخلی مشابه آن‌ها.

۱۶-۸- برجسته کردن یکی از ده‌ها دستورالعمل کمیسیون و تکلیف صریح وزارتخانه، آن‌هم درجایی که دو سازمان تابع آن، یعنی سازمان‌های تنظیم و فناوری مجری مصوبات کمیسیون شناخته می‌شوند، چندان وجاهتی ندارد و بهتر است برجسته شود. به‌ویژه آنکه در بخش مسؤولیت‌ها و ضمانت اجراها، پاسخ‌های لازم برای عدم ایفای تکالیف از سوی دستگاه‌های اجرایی پیش‌بینی شده است.

۱۷- ماده ۱۷ و ماده ۱۸ خدمات پرداخت:

۱۷-۱- ارائه خدمات پرداخت الکترونیکی اگرچه زمانی یک مزیت بوده، اما هم‌اینک به‌عنوان یک ضرورت مطرح است و محروم کردن خدمات پایه کاربردی خارجی، اعمال تبعیض ناروا، آن‌هم در حق کاربرانی است که از حق مکتسبه لازم برای بهره‌مندی از خدمات پایه کاربردی خارجی مجاز برخوردار شده‌اند.

۱۷-۲- این حکم خلاف قاعده اذن در شیء اذن در لوازم آن است. هنگامی که خدماتی مجاز شمرده می‌شود، باید همه وسایل بهره‌مندی از ابزارهای فراهم آمده نیز مهیا گردد و روا نیست حاکمیت چنین تحریمی را علیه مردم خود اعمال نماید. به‌ویژه درجایی که کاربران ناچارند برای اموری مانند تجارت یا آموزش یا امور کنسولی خارجی از خدمات پایه کاربردی خارجی بهره‌برداری نمایند و علی‌القاعده پرداخت و دریافت مالی

خودشان را هم با آن به انجام رسانند و این گونه محدودیت‌ها بیشتر یک نوع مردم‌آزایی انگاشته می‌شود!

۱۷-۳- چنین حکمی می‌تواند خدمات پایه کاربردی داخلی را در برابر مقابله به مثل‌های خارجی بی‌دفاع سازد و آسیب‌پذیر گرداند؛ و بر کار آبی و اثربخشی این قانون به‌طور کلی و تدابیر نظارتی بانک مرکزی به‌طور خاص تأثیر منفی می‌گذارد؛ زیرا عملاً خدمات پایه کاربردی خارجی را از دریافت مجوز منصرف می‌گرداند و کاربران را نیز به سمت خدمات بدون مجوز خارجی سوق می‌دهد

۱۷-۴- خدمات پرداخت الکترونیکی کارتی و برخط در سطوح و شاخه‌های مختلف فعالیت دارند. لذا به نظر می‌رسد برخی از آن‌ها هم‌اینک در سطح خدمات پایه کاربردی شبکه ملی اطلاعات قابل‌شناسایی و جانمایی باشند.

۱۷-۵- با توجه به توضیحات ماده قبل و همچنین افزایش سطح تعامل‌پذیری، نظارت‌پذیری و همچنین رقابت‌پذیری خدمات پایه کاربردی داخلی با نظایر خارجی‌شان، بهتر آن است که قانون‌گذار زمینه اخذ مجوز پرداخت را هم برای نمونه‌های خارجی فراهم آورد.

۱۷-۶- چنانچه خدمات پرداخت الکترونیکی خارجی نتوانند در این سطح و با این کیفیت وارد اقتصاد و بازار ایران شوند، آسیب بزرگی به تجارت و کسب‌وکار فراملی کشورمان وارد خواهد آمد.

۱۸- در ماده ۱۹ و تبصره‌های ذیل آن: حکم ماده ۱۹ بهتر است به رسانه‌هایی محدود شود که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند. این حکم و سایر مواد سلبی و تحریمی پس‌وپیش آن اساساً با فلسفه اعطای مجوز و تجاری‌سازی و درآمدزایی لایه خدمات پایه کاربردی در تعارض است. اگر قرار است این لایه و این خدمات از کیفیت مطلوب و رقابت‌پذیری برخوردار شوند، باید در کنار خود خدمات پایه کاربردی مجاز را احساس و ادراک کنند.

۱۸-۱- در اینجا تصریح نشده که این حکم شامل کاربران و کسب‌وکارها و خدمات ایرانی می‌شود یا خارجی‌ها را هم در برمی‌گیرد. برای نمونه آیا یک خدمت پایه کاربردی

ایرانی دارای مجوز می‌تواند در یک خدمت پایه کاربردی خارجی فاقد مجوز تبلیغ نماید؟

۱۸-۲- ظاهراً تبلیغات غیرتجاری، از قبیل تبلیغات فرهنگی، مذهبی، قومی و زیست‌محیطی از شمول این حکم تبصره مستثناست.

۱۸-۳- به نظر می‌رسد در چنین مواردی دست‌کم تبلیغات در خدمات خارجی ثبت‌شده مجاز شمرده شود. باید تفاوت بین ثبت و مجوز در چنین مواردی مشخص شود و الا فعل قانون‌گذار در تصریح و تفکیک ثبت و مجوز لغو و لِه‌و انگاشته می‌شود.

۱۸-۴- اگر هدف اصلی قانون‌گذار ساماندهی این خدمات به‌طور فراگیر و همه‌جانبه است، دست‌کم در چنین مواردی نباید میان خارجی‌ها و داخلی‌ها فاقد مجوز تفاوت قائل شود. اتفاق نافرمانی خدمات پایه کاربردی داخلی در اخذ مجوز بسیار دردناک‌تر از هم‌ترازهای خارجی‌شان است و باید با آن‌ها سخت‌گیرانه‌تر برخورد شود.

۱۸-۵- به‌جای اتباع و ساکنان ایران می‌توان گفت کاربران شبکه ملی اطلاعات. ضمن اینکه تنها نباید به کاربران محدود شود و باید شامل خدمات این شبکه هم بشود.

۱۹- ماده ۲۰ الزام دستگاه‌های اجرایی به ارائه خدمات از طریق خدمات پایه کاربردی داخلی مجاز ۱۹-۱- علاوه بر دستگاه‌های اجرایی، بخش غیردولتی ارائه‌دهنده خدمات عمومی نیز باید مشمول این حکم شود؛ اعم از آنکه در قالب مشارکت عمومی - خصوصی فعالیت نماید یا مستقل.

۱۹-۲- چنین حکمی با واقعیات توانمندی خدمات پایه کاربردی داخلی در برابر تنوع و تکثر نیازهای دستگاه‌های اجرایی و همچنین سایر خدمات عمومی سازگاری ندارد و می‌بایست به استثنائات آن توجه کرد. لذا پیشنهاد می‌شود دستگاه‌ها و خدمات عمومی نیازمند خدمات پایه کاربردی خارجی در همان درگاه درخواست خود را ثبت نمایند و چنانچه معادل و مشابه داخلی آن‌ها یافت نشد، اجازه بهره‌برداری از نمونه خارجی را داشته باشند. این چنین حکمی با حکم قانون استفاده حداکثری از توان فنی مهندسی داخلی نیز سازگاری دارد.

۲۰- ماده ۲۱ در مواد ۱۹ و ۲۰ وجود دارد و توجه شود که همه این احکام نفی‌ای و منعی و سلبی علیه خدمات پایه کاربردی خارجی هنگامی راهگشاست که خدمات پایه کاربردی داخلی اولاً به توانمندی و توانایی لازم رسیده باشند و ثانیاً بتوانند کانال‌های ارتباطی لازم را با فضای مجازی بین‌الملل فراهم نمایند. در غیر این صورت همانند بسیاری از احکام قانونی، اجرای آن‌ها موضوعاً از دور خارج می‌شود!

۲۱- ماده ۲۲ ارجاع خدمات به الزامات و دستورالعمل‌های ابلاغی آتی نامعلوم کمیسیون به دستگاه اجرایی ذی‌ربط، فلسفه این حکم قانون‌گذار را بی‌ثمر می‌سازد. کفایت دستگاه بگوید هنوز ابلاغیه‌اش نیامده و کمیسیون نیز در میان هزاران وظیفه‌ای که به عهده گرفته، آیا فرصت کند الزامات و دستورالعمل‌های مربوط را وضع کند و حتماً این میانه چند باری هم رفت‌وبرگشت دارد که تا آن هنگام خدمات موردنظر منسوخ شده است.

۲۲- ماده ۲۳:

۲۲-۱- نفس این حکم حتی اگر سودمند هم باشد، باید زمان اجرای آن به تشخیص کمیسیون واگذار شود. شاید هم‌اینک اجرای آن به زیان کشور باشد. این حکم باید شامل خدمات پایه کاربردی غیرمجاز داخلی هم بشود.

۲۲-۲- الزام به نصب خدمات پایه کاربردی اثرگذار داخلی ممکن است با خط‌مشی کسب‌وکاری تولیدکننده خارجی یا حتی خدمات پایه کاربردی داخلی ذی‌ربط در تعارض باشد. قانون‌گذار نمی‌تواند یک امر توافقی و مبتنی بر تراضی را الزامی گرداند، مگر اینکه دلیل منطقی برایش داشته باشد. برای نمونه ممکن است طرف‌ها بر گواهی بهره‌برداری از نرم‌افزار (لیسانس نرم‌افزار) با یکدیگر به توافق نرسند و قانون‌گذار هم نمی‌تواند آن‌ها را ملزم به چنین کاری نماید.

۲۲-۳- الزام وزارتخانه به عدم فعال‌سازی آن‌ها منوط به این است که چنین الزام و امکانی برایش فراهم آمده باشد. برای نمونه، هم‌اینک بسیاری از لوازم الکترونیکی خانگی و حتی تجاری و اداری، از قابلیت‌های ارتباطی و هوشمندی برخوردارند. حال باید دید آیا در فهرست الزامات وزارتخانه مبنی بر فعال‌سازی‌شان قرار می‌گیرد یا خیر. به نظر می‌رسد این حکم تنها با نگاه به گوشی‌های همراه هوشمند نگاشته شده است.

۲۳- تبصره ۱. منع عرضه سامانه‌های تولید داخل فاقد خدمات پایه کاربردی اثرگذار داخلی
۲۳-۱- ممکن است برخی سامانه‌ها برای خدمات پایه کاربردی اثرگذار ساخته نشده باشند و
برای گروهی از خدمات پایه کاربردی بی‌اثر مجاز سازگاری یافته باشند. در این صورت
چرا باید ممنوع باشند؟

۲۳-۲- زمان اجرای این حکم نیز باید به تشخیص کمیسیون واگذار شود. به‌ویژه آنکه هم‌اینک
بخش عمده‌ای از تولیدات داخل مونتاژ هستند.

۲۳-۳- آیا سامانه‌های تولید داخل می‌توانند خدمات پایه کاربردی خارجی مجاز، اعم از اثرگذار
و بی‌اثر را پشتیبانی نمایند؟

۲۴- تبصره ۲. دستورالعمل ساماندهی واردات و تولید تجهیزات پشتیبان خدمات پایه کاربردی
داخلی اثرگذار باید شامل خدمات پایه کاربردی خارجی اثرگذار و بی‌اثر مجاز و خدمات پایه
کاربردی بی‌اثر داخلی هم بشود. البته در این دستورالعمل به فرصت‌های صادراتی و همچنین
مشارکت در تولیدات خارجی هم توجه شود. ضمن اینکه حکم آن در این ماده پیش‌بینی
گردد.

۲۵- تبصره ۳. به‌جای معافیت و اعطای تسهیلات به به‌کارگیرندگان گزینه‌های اختیاری، هزینه‌های
گمرکی آن‌هایی که این موارد را رعایت نمی‌کنند افزایش یابد. تا حد امکان نباید به منابع
درآمدی دولت دست‌درازی کرد.

۲۶- ماده ۲۴: صدر این ماده در مقام جمع دو امر متعارض و متناقض برآمده که دستاوردی جز
سردرگمی و سرگردانی خدمات پایه کاربردی ندارد: صیانت از حقوق کاربران و صیانت از نظم
و امنیت عمومی. در نظام‌های حقوقی، اساساً از این دو موضوع به‌عنوان دو امر در برابر یکدیگر
یاد می‌شود و بنابراین، هنر قانون‌گذاران در این است که بتوانند توازن و تعادل منطقی و
موجهی را میان آن‌ها برقرار سازند. برای نمونه، کاربران برای تأمین و تضمین نظم و امنیت
عمومی از حق خود بر حریم خصوصی یا مالکیتشان درگذرند یا اینکه حاکمیت برای افزایش
اعتماد عمومی، مشارکت مردم را در امور تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری افزایش دهد. لذا هیچ
مرجع‌ی جز قانون‌گذار نمی‌تواند چنین توازن و تعادلی را برقرار نماید و واگذاری آن به خدماتی

که تنها به منافع خویش می‌اندیشد (و درستش هم همین است) کار منطقی و موجهی نیست. به‌ویژه اگر حکم موردنظر مبهم و مجمل باشد که انواع تفاسیر از آن به عمل آید.

۱-۲۶- بند ۱: دسترسی غیرمجاز در قوانین مختلف جرم‌انگاری شده و تنها نمونه‌ای از حمایت کیفری از حریم خصوصی است و نیازی به ذکر مجدد نیست. نبود قانون و مقررات مشخص در باب صیانت از حریم خصوصی کاربران و پراکندگی احکام قانونی ناظر بر آن‌ها، تکلیف خدمات به این موضوع می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. نخست آنکه منظور از حریم خصوصی آن‌هم در خدمات پایه کاربردی چیست و چه ابعادی را شامل می‌شود؟ ثانیاً جنبه‌های فردی و حاکمیتی آن کدامند؟ ثالثاً کدام داده‌ها مشمول این حکم می‌شوند؟ داده‌های خصوصی یا شخصی یا هر دو؟

۲-۲۶- بند ۲. حفظ اطلاعات کاربران نیز با همان پرسش‌های بند قبل روبروست، اما نیازمند شفافیت قانونی و مقرراتی است. آیا استعلام از پایگاه اطلاع‌رسانی یک دستگاه اجرایی (مانند ثبت‌احوال) کفایت می‌نماید؟

۳-۲۶- بند ۳. عدم انتقال و ذخیره‌سازی و پردازش داده‌های کاربران ایرانی به خارج از کشور

- منظور از کاربران ایرانی چیست؟ آیا کاربران داخلی شبکه ملی اطلاعات است که شامل خارجی‌ها هم می‌شود. یا اینکه حمایت از کاربران ایرانی در سراسر دنیا است؟
- آیا منظور از خارج از کشور خارج از شبکه ملی اطلاعات است؟
- اگر صیانت از حقوق کاربران ایجاب کرد که داده‌های آن‌ها در خارج از کشور پردازش یا ذخیره یا به آنجا انتقال یابد، حکم چیست؟

۴-۲۶- بند ۵. این حکم باید علاوه بر خانواده‌ها شامل کسب‌وکارها و سایر نهادهای اجتماعی هم بشود.

۵-۲۶- بند ۶. در این بند مشخصاً یک‌نهاد خاص را هدف‌گذاری کرده که با شأن قانونی و قانون‌گذاری فاصله دارد.

۶-۲۶- بند ۷. این حکم می‌تواند اجحاف‌آمیز باشد. هزینه این قبیل اقدامات یا باید از سوی کاربران جبران شود یا از محل صندوق. البته در اینجا به هزینه مضاعف اشاره شده و نه اصل هزینه! آیا برای غیرفعال حالت هم هزینه مضاعف اخذ می‌شود؟! این بند باید

ضمن تلفیق با بندهای بالا به سایر حوزه‌ها نیز تسری یابد. برای نمونه چرا حالات و

سکنت دینی - مذهبی از چنین مزیتی بهره‌مند نگردند؟

۲۶-۷- بند ۸. منظور از مجاز در اینجا چیست؟ برای نمونه اگر کاربر به تعهدات قراردادی

خود عمل ننماید، خدمات پایه کاربردی می‌تواند حساب وی را مسدود نماید یا

محتوای را حذف نماید؟ بهتر است تصریح شود جز در مواردی که به موجب قانون یا

مقررات یا قرارداد مجاز به چنین کاری باشد.

۲۶-۸- بند ۹. منع دریافت داده‌های غیرضروری از کاربران

• مرجع تشخیص غیرضروری بودن داده‌ها کیست؟

• در تعریف داده ضروری بر قابلیت اجرایی آن تمرکز شده است؟ درحالی که گاهی

الزام قانونی به آن وجهه ضروری می‌بخشد و تأثیری در قابلیت اجرای آن ندارد.

• آیا توافق طرفین می‌تواند جایگزین حکم قانون‌گذار شود؟ به‌ویژه با این استدلال

که مسؤلیت قطع یا کیفیت نامطلوب خدمات را به عهده نخواهد گرفت؟

• تبصره نیز مبهم است. ظاهراً منظور آنست که چند خدمت قابل‌ارائه به کاربر از

سوی یک یا چند ارائه‌دهنده نباید به خاطر عدم ارائه داده‌های ضروری به یکی از

آن‌ها بقیه را نیز از دسترس خارج سازد.

۲۶-۹- بند ۱۰. این موضوع از مواردی است که هم جنبه قراردادی دارد و هم مقرراتی؛ یعنی

ممکن است خواسته و نیاز کاربر فراتر از مقررات باشد یا کمتر از آن. لذا باید تصریح

شود که منظور از الزامات کدامیک از آن‌هاست و برتری با کدام است؟

۲۶-۱۰- بند ۱۲. پرسش اصلی درباره این بند آنست که آیا خدمات موردنظر باید رأساً این کار

را انجام دهد یا اینکه در قبال تکلیف صیانت از حقوق کاربران؟ برای نمونه آیا نخست

به وی اطلاع دهد تا وی تدبیر لازم را بی‌اندیشد یا اینکه بدون اطلاع وی اقدام نماید

۲۶-۱۱- بند ۱۳: این موضوع با نگهداری داده‌ها و اطلاعات خدمات و کاربران تفاوت دارد و به

نظر می‌رسد نخست باید درباره آن حکم قانونی پیش‌بینی گردد؛ زیرا ادله، مستخرج

از آن‌هاست و چنانچه حکم به نگهداری آن‌ها نگردد، عملاً الزام پسینی بیهوده است.

۱۲-۲۶- تبصره ۱. حکم این تبصره موجب نسخ ضمنی بسیاری از صلاحیت‌های نهادهای ذی‌ربط خواهد بود؛ از حکم مقرر در بند «ف» ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات گرفته تا آیین‌نامه‌های اجرایی استناد پذیری ادله الکترونیکی که باید به تصویب رئیس قوه قضائیه برسد.

۱۳-۲۶- تبصره ۲. با عنایت به عضویت رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در کمیسیون، مناسب آنست که ضوابط مربوط به پدافند غیرعامل نیز به تصویب کمیسیون برسد. به‌ویژه آنکه دیدگاه‌های سایر دستگاه‌ها در حسن اجرای این ضوابط، عاملی کلیدی و تعیین‌کننده به شمار می‌آید.

۲۷- ماده ۲۵: بین محتوا و اطلاعات و داده‌ها تفاوت ماهوی و معنایی وجود دارد و بهتر است در این زمینه شفاف‌سازی شود. منظور قانون‌گذار از فضای عمومی چیست؟ این عبارت نیازمند تعریف است و باید به ویژگی‌های متمایز آن در کنار فضاهای غیرعمومی و خصوصی تصریح شود.

۲۸- تبصره ۱: این حکم هنگامی موضوعیت دارد که کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه نیز در کمیسیون ادغام گردد و الا این حکم باید در قانون جرائم رایانه‌ای بیاید. در غیر این صورت حذف گردد.

۲۹- ماده ۲۷

۱-۲۹- الف) جریمه نقدی از یک آغازشده که روشن نیست یک ریال است یا یک میلیارد ریال!

۲-۲۹- ب) عدم تأیید ثبت نمی‌تواند ضمانت اجرا انگاشته شود؛ زیرا هنوز شخصیت حقوقی موضوع این قانون را نیافته تا مستحق ضمانت اجرایش شناخته شود. این ضمانت اجرا هنگامی معنا دارد و مؤثر واقع می‌شود که مجوزها از اعتبارهای معین و مؤجل برخوردار باشند و دارنده مجوز همواره دغدغه تمدید اعتبار و عدم کاهش آن را داشته باشد.

۳-۲۹- پ) قاعدتاً این حمایت‌ها تنها شامل حمایت‌های مالی صندوق نمی‌شود و سایر حمایت‌هایی که صندوق به‌ویژه از خدمات پایه کاربردی اثرگذار داخلی به عمل می‌آورد را هم در برمی‌گیرد که باید احصاء شوند.

۴-۲۹- ت) مسدودسازی و پالایش نمی‌تواند نامحدود باشد و حتماً باید با تخلف موردنظر تناسب داشته باشد. لذا مؤجل و معین بودن در اعمال آن باید رعایت شود. این ضمانت اجرا تفاوتی با کاهش یا تعلیق یا لغو اعتبار مجوز ندارد. لذا به نظر می‌رسد تصریح جداگانه آن بی‌معناست و یکی از راه‌های اعتبار زدایی از مجوز پالایش و مسدودسازی است.

۳۰- ماده ۳۲: این ماده در سایر قوانین و به‌ویژه قانون جرائم رایانه‌ای مسبوق به سابقه است. لذا باید به‌گونه‌ای نگاشته شود که اجرای آن‌ها را مخدوش نسازد. البته درباره قوانین خاصی مانند قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد شاید چالش کمتری رخ دهد و قاعده عدم نفوذ عام لاحق به خاص سابق راهگشا باشد. لیکن درجایی که هر دو قانون از جهاتی عام انگاشته می‌شوند، مانند این قانون با قانون جرائم رایانه‌ای، ضروری است شفاف‌سازی شود.

۱-۳۰- در اینجا باید تصریح شود افشای غیرمجاز منظور قانون‌گذار است. با توجه به اطلاق داده‌ها، شامل همه انواع داده‌های عمومی و خصوصی و شخصی می‌شود. با توجه به اطلاق کاربران شامل اشخاص حقیقی و حقوقی عمومی و خصوصی می‌شود.

۲-۳۰- تبصره ۱. اگر قرار است حکمی کلی برای همه جرائم رایانه‌ای قابل ارتکاب به‌وسیله یا در خدمات پایه کاربردی پیش‌بینی شود، می‌بایست در ماده مستقلاً بیاید. از آنجاکه در اینجا دسته‌بندی داده‌ها رعایت نگردیده، یعنی داده‌های متعلق به سطوح حیاتی، حساس، مهم و عادی، نمی‌توان درباره بازدارندگی، تناسب و اثربخشی ضمانت اجرای پیش‌بینی شده اظهارنظر کرد.

۳-۳۰- تبصره ۲. این تبصره ظاهراً به همین ماده تعلق دارد. حال پرسش آنست که اگر دو برابر عواید مالی بازهم کمتر از جزای نقدی مقرر در درجه ۵ قانون مجازات اسلامی باشد، تکلیف چیست؟

۳۱- ماده ۳۳: با عنایت به اینکه در قانون اثرگذاری خدمات پایه کاربردی ملاک قرار گرفته است و نه لزوماً شمار کاربران، پیشنهاد می‌شود همین معیار مبنای تشدید کیفر قرار گیرد. برای تشدید مجازات باید معیارهای دیگر، به‌ویژه فعالیت خدمات موردنظر در سطوح حیاتی، حساس، مهم و عادی نیز مدنظر قرار گیرد.

۳۲- ماده ۳۴ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف به انجام محدود تعیین‌شده مصوبات شورا شده است و عملاً برای سایر مصوبات شورا تکلیفی ندارد! اما در تبصره همین ماده تخلف از آن را جرم‌انگاری نموده است

۳۳- فصل هفتم: سایر مقررات در این طرح پیش‌بینی نشده است احکام مهمی از جمله:

۱- ۳۳- نواسخ قانونی: این قانون به‌طور صریح یا ضمنی قوانین بسیاری را تحت تأثیر قرار داده که ضروری است درباره آنها تعیین تکلیف شود. این موضوع به‌ویژه باید با عنایت به قابلیت تأثیر عینی و عملی خدمات پایه کاربردی بر همه شئون ارتباطات و فناوری اطلاعات کشور و قوانین ناظر و راجع به یکایک آنها مدنظر قرار گیرد.

۲- ۳۳- نواسخ مقرراتی: احکام این قانون مقررات بسیاری را نیز تحت‌الشعاع خود قرار خواهند داد. لذا درجایی که مقررات دستگاه‌های اجرایی منوط و مقید به مصوبات کمیسیون نیستند، باید فوراً فرایند اصلاح یا لغو آنها و تعیین تکلیف نهایی‌شان در دستور کار مراجع ذی‌ربط قرار گیرد.



جمهوری اسلامی ایران
وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

وزیر

شماره: ۱/۶۵۳۹۳
تاریخ: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳

شماره:
تاریخ:
پیوست:

۱۶۳۱

فوری

جناب آقای دکتر قالیباف
رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

باسلام و احترام:

با عنایت به طرح نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی با عنوان "حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی" ضمن تشکر از دغدغه مندی نمایندگان محترم در توجه به فضای مجازی به پیوست نقد کارشناسی طرح مذکور جهت استحضار و بهره‌برداری تقدیم می‌شود.

شایان ذکر است بررسی این طرح با حضور و مشارکت نمایندگان از دبیرخانه شورای اجرایی فناوری اطلاعات، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سازمان نظام صنفی رایانه ای کشور و مدیران دستگاه‌های زیرمجموعه وزارت متبوع و سایر خبرگان حقوقی و فنی حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات انجام یافته است.

محمد جواد آذری جهرمی



جمهوری اسلامی ایران
وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

وزیر

شماره: ۱/۶۵۳۹۳
تاریخ: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳
پیوست:

۱۶:۳۱

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر روحانی - رئیس محترم جمهور
جناب آقای دکتر قالیباف - رئیس محترم مجلس شورای اسلامی
جناب آقای دکتر ستاری - معاون محترم علمی و فن آوری رئیس جمهور
جناب آقای دکتر شحانی - دبیر محترم شورای عالی امنیت ملی
جناب آقای مهندس محمدی - معاون محترم بررسی و قهر معام معظم رهبری
جناب آقای دکتر فیروز آبادی - دبیر محترم شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی
حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر علوی - وزیر محترم اطلاعات
جناب آقای دکتر ربیعی - رئیس محترم مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری
جناب آقای دکتر زاکانی رئیس محترم مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
جناب آقای دکتر اکبری رئیس محترم کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی
حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر ربیعی - رئیس جمهور محترم منتخب
باسلام و احترام:

با عنایت به طرح نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی با عنوان "حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی" ضمن تشکر از دغدغه مندی نمایندگان محترم در توجه به فضای مجازی به پیوست نقد کارشناسی طرح مذکور جهت استحضار و بهره برداری تقدیم می شود.

شایان ذکر است بررسی این طرح با حضور و مشارکت نمایندگان از دبیرخانه شورای اجرایی فناوری اطلاعات، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، سازمان نظام صنفی رایانه ای کشور و مدیران دستگاه های زیرمجموعه وزارت متبوع و سایر خبرگان حقوقی و فنی حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات انجام یافته است.

محمد جوادی آذری جهرمی



جمهوری اسلامی ایران

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

وزیر

شماره: ۱/۵۵۱۳۵

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

پست:

۱۹:۵۱

جناب آقای دکتر قلیانف
رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام و احترام

با عنایت به قرار گرفتن طرح «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی و ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» در دستور کار مجلس شورای اسلامی به استحضار می‌رساند، دغدغه مندی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی نسبت به اهمیت موضوع حکمرانی فضای مجازی و لزوم حمایت قانونی از کاربران و پدیدآورندگان پلتفرم‌های دیجیتال قابل تقدیر است؛ اما به نظر می‌رسد طرح تهیه شده یک اصلاح ساختاری بنیادین در سیاست‌گذاری، مدیریت و راهبری، تنظیم گری و اجرای کلیه موضوعات مرتبط با فضای مجازی و کاربردهای ارتباطات و فناوری اطلاعات به همراه دارد که این اصلاح ساختار بنیادین با برخی از اصول قانون اساسی و از جمله نظارت قانونی و ذاتی مجلس و پاسخگویی دولت که از مسیر اصول ۸۸، ۸۹ و ۷۶ محقق می‌شود، اختیارات و وظایف هیئت وزیران و قوه مجریه اصول ۱۳۴، ۱۳۸ و اختیارات و وظایف رئیس‌جمهور از جمله اصول ۶۰، ۱۱۳ و ۱۲۲ قانون اساسی و نیز اصل ۷۵ قانون اساسی به جهت عدم پیش‌بینی هزینه‌های این تغییرات که در بسیاری از سامانه‌های زیرساختی و کاربردی کشور باید اعمال شود و نیز اختیارات امور اداری رئیس‌جمهور در اصل ۱۲۶ قانون اساسی کشور که در دولت الکترونیکی تبلور می‌یابد، مغایرت خواهد داشت. اگرچه در خصوص ایجاد یک نهاد فراقوه ای که تاکنون تنها توسط مقام معظم رهبری در ایجاد شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی تدبیر گردیده در طرح نهادی جدید پیش بینی شده که از منظر حقوق اساسی قابل بررسی و نقد است.

همچنین حذف اختیارات مربوط به تنظیم گری بخشی و هماهنگی بین دستگاهی کاربردهای فناوری اطلاعات و دولت الکترونیکی برگرفته از قانون سال ۱۳۸۲ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و مصوبات شورای عالی فضای مجازی در عمل منجر به حذف محتوایی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات از ساختار اجرایی کشور خواهد شد که در عصر دیجیتال و



جمهوری اسلامی ایران

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

وزیر

شماره: ۱/۵۵۱۳۵

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

پست:

۱۹:۵۱

۱۹:۵۱

راهبردهای کشورهای در سرمایه‌گذاری و حمایت شتابنده از این حوزه باعث جا ماندن کشور از فضای رقابت جهانی می‌شود.

خاطر نشان می‌شود طرح به لحاظ محتوایی با وجود احکام تکراری با قوانین موجود، تداخل در وظایف دولت از جمله اصلاح اساسنامه مصوب هیئت وزیران، امکان اعمال شیوه‌های صیانتی مطلوب‌تر از کاربران در مواجهه با تهدیدهای خارجی و داخلی به وسیله لایحه صیانت از داده‌های اشخاص، اصلاح اساسنامه و هم ارزی با حکم تشکیل شورای عالی فضای مجازی و بسیاری از موارد دیگر که متعاقباً در گزارش دیگری تقدیم خواهد شد، نیازمند اصلاح و بهینه‌سازی بوده و می‌تواند از مسیرهای مناسب‌تر و کم تنش‌تری در فضای اجتماعی امر حکمرانی فضای مجازی را محقق سازد.

لذا با توجه به اهمیت موضوع و اطمینان از نگرش و رویکرد حمایتی جنابعالی از فضای مجازی و توسعه و پیشرفت کشور از مسیر فرصت‌های عصر دیجیتال، مستدعی است در صورت صلاحدید ترتیبی اتخاذ شود که این طرح با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و به ویژه نمایندگان رئیس‌جمهور منتخب، پس از استقرار دولت جدید با هدف تقویت و استقرار حکمرانی فضای مجازی در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

محمد جواد آذری جهری

رونوشت: جناب آقای دکتر امیری معاون محترم امور مجلس رئیس‌جمهور جهت استحضار



جمهوری اسلامی ایران

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

وزیر

شماره: ۱/۵۵۱۳۴

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

پست:

۱۹:۴۲

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای رئیسی
رئیس جمهور منتخب محترم جمهوری اسلامی ایران

باسلام و احترام

انتخاب شایسته حضرت عالی را به عنوان «رئیس جمهور دولت سیزدهم جمهوری اسلامی ایران» تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم و از پیشگاه خداوند منان توفیقات روزافزون آن دولت در مسیر رشد و شکوفایی انقلاب اسلامی و تکریم و خدمت‌رسانی به مردم حماسه‌ساز کشور عزیزمان خواستارم.

همان‌گونه که مستحضرید طرح «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی و ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی»، از جمله طرح‌های مهمی که در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته و نمایندگان دغدغه‌مند هم همواره با نگاهی ریزبینانه به آن توجه دارند؛ اما به نظر می‌رسد طرح تهیه‌شده و طرح‌هایی از این دست که با موضوعات مربوط به فناوری اطلاعات و فضای مجازی در کمیسیون‌های مجلس در دست بررسی است، توأم با یک اصلاح ساختاری بنیادین در سیاست‌گذاری، مدیریت و راهبری، تنظیم‌گری و اجرای کلیه موضوعات مرتبط با فضای مجازی و کاربردهای ارتباطات و فناوری اطلاعات است که این امر برخی از اختیارات دولت را محدود نموده‌است و مغایر با برخی از اصول قانون اساسی است که موارد زیر از آن جمله هستند:

الف) اصول ۱۳۴ و ۱۳۸: این اصول بر اختیارات و وظایف هیئت وزیران و قوه مجریه دلالت دارد؛

ب) اصول ۶۰، ۱۱۳ و ۱۲۲: این اصول بر اختیارات و وظایف رئیس‌جمهور دلالت دارد؛

ج) اصل ۷۵: این اصل به دلیل عدم پیش‌بینی هزینه‌های این تغییرات که در بسیاری از سامانه‌های زیرساختی و کاربردی کشور باید اعمال شود؛

د) اصل ۱۲۶: این اصل بر اختیارات امور اداری رئیس‌جمهور در دولت الکترونیکی دلالت دارد؛

ه) اصول ۷۶، ۸۸ و ۸۹: این اصول بر لزوم پاسخگویی وزرا و رئیس‌جمهور به مجلس شورای اسلامی دلالت دارد.

البته در خصوص ایجاد یک نهاد فراقوه‌ای که تاکنون تنها از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در ایجاد شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی تدبیر گردیده، در طرح نهادی پیش‌بینی شده که از منظر حقوق اساسی قابل بررسی و نقد است، همچنین بر اساس حذف اختیارات مربوط به تنظیم‌گری بخشی و هماهنگی بین دستگاهی کاربردهای فناوری



جمهوری اسلامی ایران

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

وزیر

شماره: ۱/۵۵۱۳۴

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

پست:

۱۹:۴۲

اطلاعات و دولت الکترونیکی برگرفته منبعث از قانون سال ۱۳۸۲ این وزارت و مصوبات شورای عالی فضای مجازی، عملاً منجر به حذف محتوایی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات از ساختار اجرایی کشور خواهد شد که در عصر دیجیتال و راهبردهای کشورها در سرمایه‌گذاری و حمایت شتابنده از این حوزه باعث جا ماندن کشور از فضای رقابت جهانی می‌شود.

خاطر نشان می‌شود که این طرح به لحاظ محتوایی و با وجود احکام تکراری با قوانین موجود داشته و باعث تداخل در وظایف دولت از جمله اصلاح اساسنامه مصوب هیئت محترم وزیران می‌شود؛ لذا به منظور امکان اعمال شیوه‌های صیانتی مطلوب‌تر برای کاربران در مواجهه با تهدیدهای خارجی و داخلی به وسیله لایحه صیانت از داده‌ها، اصلاح اساسنامه و برابری با حکم تشکیل شورای عالی فضای مجازی و بسیاری از موارد دیگر که متعاقباً در گزارش دیگری تقدیم خواهد شد، نیازمند اصلاح و بهینه‌سازی است تا بتواند از مسیرهای مناسب‌تر و کم‌تنش‌تری در فضای اجتماعی امر حکمرانی فضای مجازی را محقق سازد؛ لذا با عنایت به اهمیت موضوع و اطمینان قلبی از نگرش و رویکرد حمایتی حضرت‌عالی از فضای مجازی و توسعه و پیشرفت کشور از مسیر فرصت‌های عصر دیجیتال که گوشه‌ای از آن در سخنرانی‌ها و مناظرات انتخاباتی نشر گردید، مستدعی است در صورت صلاحدید ترتیبی اتخاذ شود تا این طرح با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، به‌ویژه نمایندگان جناب‌عالی و با هدف تقویت و استقرار حکمرانی فضای مجازی بازنگری شده و پس از استقرار دولت سیزدهم و با همکاری بین دولت و مجلس به تصویب برسد.

محمدجواد آذری جهری

رونوشت:

- دبیرخانه شورای اجرایی فناوری اطلاعات
- سازمان فناوری اطلاعات ایران
- سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی